



د رایران هیج خبری نیست، هیج کجا اعصاب نیست، هیج کسر کشته نشده است، اخبار رادیو تلویزیون نظامی ایران

یازدهم آذر ماه ۱۳۵۷

تصابی رژیم و هدیانهای دولت نظامی

دولت نظامی با جوخه های آتش خود که به هیج اصلی جز کشتن مردم پای بند نیستند بار دیگر کشتار جمعی مردم بیگانه را آغاز کرد. این بار قتل عام در سطحی بسیار وسیعتر از جمعه سیاه ۱۷ شهریور انجام گرفت. دولت نظامی پس از گذراندن شب سیاه جمعه ۱۰ آذر بلافاصله با تبلیغات دروغ و سراپا و قیحانه خود را در رادیو و تلویزیون تحت سانسور دولت در صدد پامال کردن خون هزاران شهید بیگانه برآمد، دولت نظامی با کمال وقاحت و دروغوئی مردم را متهم بداشتن اسلحه و تحریک شده از سوی حزب توده قلنداد کرد!

اولا اگر مردم اسلحه داشتند و قادر بدفاع مسلحانه از خود بودند در این صورت ارتشبد از هاری و رفتایش که باد زدن میلیونها تومان پول مردم و خارج کردن از کشور همچنان بسردوشی های خود مینازند جز اولین فراریانی بودند که بویلاهای زیبای خود در فرانسه و سوئیس و امریکا و انگلیس پناه میبردند. و تانیا همه مردم ایران میدانند که حزب توده جز با اجازه روسها قدمی برنمیدارد و همه مطبوعات خارجی در زمینه بحران ایران در این موضوع اتفاق نظر دارند که روسیه شوروی طالب ادامه وضع موجود سیاسی ایران است و این اقرار حتی از زبان کارتر رئیس جمهور امریکا نیز گفته شد که در بحران کنونی ایران روسها دخالتی ندارند. همه خبرنگاران خارجی که در ایران شاهد نهضت کنونی سراسری ایران هستند به این واقعیت اعتراف میکنند که جنبش ایران بزرگترین قیام تاریخی ملی در دنیای معاصر است.

آقای از هاری اگر توده ایها اینقدر قدرت دارند که میلیونها مردم ایران را در زیر یک شعار بسیج کنند پس باید گفت تغ بر روی رژیم استبدادی ایران و سازمان اطلاعات و امنیت آن که هنری جز شکنجه و کشتار جوانان ایران نداشت. این دروغ و قیحانه و سراپا فحش منطق کسانی است که هدف اصلی آنها حکومت کردن برای غارت و مزدوری بیگانه و غارت ثروت مردم است.

رژیم استبدادی چهره ارتش ایران را با کشتارهای وحشیانه خود آلوده کرد.

نخست وزیر نظامی رژیم علنا اعلام کرد که رژیم در یک جنگ درگیر شده است. در این جنگ رژیم استبدادی با سلاحها و سربازان و پولها و ذخایر نظامی متعلق بمردم بر علیه مردم ایران وارد جنگ شده است. جنگی که در این سو مردم بیدفاع و بی اسلحه در برابر ماشین جنگی استبدادی و استعماری رژیم ایستاده اند که با چنگ و دندان از آزادی خود دفاع میکنند. آیا شایسته است که افسران و سربازان ایرانی که جزئی از مردم ایران و جگر گوشه های این مزر و برهنند این چنین وسیله کشتار برادران و خواهران بیگانه خود قرار گیرند و این چنین وسیله حمایت از رژیم فاسد و خون آشام استبدادی شوند؟ آیا وظیفه ارتش یعنی مسئولیت افسران شرافتمند و پاکدل ایرانی و سربازان آن اینست که مردم را بخاطر مبارزه با فساد و استبداد برگبار گلوله ببندند؟

آیا وظیفه افسران و سربازان ایرانی اینست که میلیونها هموطن بیدفاع خود را بعنوان دشمن تلقی کنند؟ سخنگویان پیشرو و وقیح رادیو و تلویزیون در حالیکه دولت نظامی کلیسه وسائل خبری کشور را در محاق تعطیل و سانسور برده است ابراج دروغ را پراکنده میکنند، دولت نظامی مردم را میکشد و اجساد را گروه گروه مرده و زخمی و بیجان و نیمه جان در کامیونتها بگودالهای اطراف شهران منتقل میکند. حتی از قبرل مردمی که حاضر بدادن خون خود در جبهه بیهارستانها صاف میکشند خود داری میکنند. زخمیها را در بیهارستانها با همچوم سربازان از تشنه ها بزیب میکشند و با خشونت

اعتصاب در شرکت مخابرات

جامعه مخابراتی ایران با همبستگی و ایستادگی قهرمانانه به اعتصاب و کمکاری ادامه میدهند روز چهارم آن را مانند صد تن به عنوان اعتراض بدستگیری همکاران خود در ساختمانهای شماره ۱ و ۲ خیابان کورس کبیر تحمین گزیدند و بسی فردای آن روز ماموران حکومت نظامی به آنان یورپر بردند و با چوب و باطوم و تفنگ به جان آنان افتادند و باز جمعی را دستگیر کردند. خبرهای شهرستانها نیز حکایت از همین رفتار دارد. در بابل ۶ نفر به نامهای گزالی، عنایتی، کلینی، جلالی، آذرنیا، نجفی عطاریان، ربیع و لاهیجانی توقیف شدند. فرهنگیان به پشتیبانی از کارمندان مخابرات برخاستند که در اثر حمله و تیراندازی ماموران چشم یک معلم نابینا شد و چندین نفر مجروح شدند. در آباده آقایان رحمانی، رنجبر و عقیق توقیف شدند.

در همدان آقایان قزلباش، حمیدی، خواه، یزدی، مجذوبی، پاکنهاد، جهان آرا توقیف شدند. کلیه کارکنان مخابرات تبریز سراسر از ادای نماز جماعت ورقه استعفای دستجمعی را امضا و سوگند یاد کردند که تا واپسین دم در راه تحقق خواستهای مردم ایران پایداری کنند.

از زاهدان و فسا و سایر شهرستانها نیز خبر میرسد که کارکنان مخابرات در برابر حمله های مأمورین پایداری میکنند و اعتصاب و کمکاری ادامه میدهند.



تهران: در هفته گذشته عدای مامور ساواک و

شهریانی از اهالی محله حلبی آباد، واقع در تهران پارس (دست چپ خیابان ۴۵ متری) میخواهند که بفتح رژیم تصاهرات کنند اهالی قبول نمیکند. مأمورین تهدید به آتش زدن الوتکها میکنند، اهالی بازم زیر بار نمیروند و روز بعد مأمورین قسمت عدای محله را با آتش میکشند.

گرگان: در هجوم مأمورین بمردم گرگان روزه و

از راه ۲۲ نفر کشته و ۱۱ نفر مجروح شده اند. از این افراد یک زن در حال رخت پهن کردن بر روی پشت بام بوده یک نفر خیاط بوده و دیگر نیز دانش آموز ۱۲ و ۱۳ ساله بوده اند. ۴ نفر در حین خون دادن در بیمارستان بعثت حمله سربازان کشته شده اند، که یکی از این ۴ نفر کارمند جوان بیمارستان بوده است. بعثت حمله سربازان به بیمارستان تمام شیشه های بیمارستان در اثر اصابت گلوله خرد میشود.

در همین تظاهرات شخصی به اسم سروان، جلالی و سروان شهریانی به سرباز دستور تیراندازی میدهد که سربازان مذکور از اجرای فرمان سرباز میزنند و شروع بگریه میکنند. سروان جلالی با هفت تیر خود سه سرباز را میکشد و با ماشین فرار میکند مردم نیز ۱۵ تا ماشین شهریانی را با آتش میکشند در اثر این واقعه ساعت حکومت نظامی را محدود به ۸ شب میکنند.

فریدون کنار: در تظاهرات صبح ۵۷/۹/۶ در فریدون کنار ۲ نفر کشته شده است.

مشهد: یکشنبه ۱۲ آذر بعد از سخنرانی منزل آقای آیتاله شیرازی وقتی تنها هرات شروع شد در میدان ۲۵ شهریور سرهنگ طباطبائی یکی از سربازان را که بسوی مردم تیر نیانداخته می کشد. در چهارراه نادری مردم جلوی تانک را گرفته و روی تانک رفته صحبت میکردند و سرهنگ طباطبائی را میخواستند و سربازان گریه میکردند. در تیراندازی های ماموران بمردم ۱۱ نفر کشته و تعداد زیادی مجروح شده اند.

بیرجند: دانش آموزان دبیرستانهای جلال الد احمد و ارارشاد و خرچمه علم علیه اقدام ماموران که میخواستند والدین آنان را وادار به امضای تعهد بنام فرزندان خود کنند بپا خاستند و از این کار جلوگیری کردند. نام دبیرستانهای شهرستانی و کورس کبیر به جلال آل احمد و ارشاد تغییر یافته است.

خانم احمدی همسر رئیس ساواک بیرجند که رئیس دبیرستان دخترانه خزینه علم است با دانش آموزان منتهای بد رفتاری را دارد و شهریانی بیرجند لیست غایبین معلم و دانش آموز مدارس را هر روز از آموزش و پرورش میگیرد.

قوچان: در مراسم تسبیح جنازه شهید منوچهر رزاقی عدای از شهر مشهد با چند صد دستگاه اتومبیل سواری به محل رفتند و شرکت کردند. اما در غیاب آنان ماموران دولت نظامی به اتومبیلهای پارک شده در کنار خیابانها حمله کردند و آنها را به آهن قراضه تبدیل ساختند. مردم ماشین های خود را به مشهد آوردند و در خیابان نادری گذاشتند. اهالی مشهد که برای تعاضای نقیبه فحایح ماموران قوچانی رفتند مورد حمله ماموران حکومت نظامی واقع شدند و جمع زیادی مجروح شدند.

هرمزگان: کارکنان بهداری و بهزیستی استان هرمزگان به پشتیبانی از خواستهای مردم ایران اعتصاب کردند. کارکنان بهداری میناب نیز به اعتصاب پیوستند و مأمورین شهریانی میناب به آموزشگاه بهوزی میناب حمله کردند و هشت نفر را از بهداریان اعتصابی را دستگیر و در شهر میناب به شدت مشروب کردند. در بندر عباس مرکز استان نیز اعتصاب و تظاهرات شور انگیز ملی علیه دولت نظامی ادامه دارد.

رفسنجان: ماموران دولت نظامی در خیابان رحمت آباد رفسنجان بسوی مردم تیراندازی کردند. در این حمله عدای مجروح و سید رضا سبکروح ۲۴ ساله و کارمند شهید شد.

گزارشی از شرق تهران

اول ماه محرم الحرام از ساعت ۶ شب تا یک اکرار روی پشت بامها به گوش مردم رسید و جوانان سعی کردند همه گروههای متشکل را که از قبل تدارک دیده بودند، گریه آورده اند.

حوالی ساعت ۱۰ شب قریب ۲۵ هزار نفر زن، مرد، و کودک با خا مه های سیاه به خیابانها آمدند.

میدان زاله، سه راه زاله، به ویژه خیابان شکوفه و کوچه های منشعب از آن مملو از جمعیت شد. ماموران حکومت نظامی با سیستم های مجهز و رایحه سابر واحدهای کمکی اطلاع دادند، لیکن تا رسدن تانکها و کامیونهای پرا سرباز، با مسلسلهای خودکار، با تانک "اله اکبر" مردم کار خود را بهتر از سیستم نظامی انجام داده بود. جمعیت هر لحظه بیشتر متشکل میشد. در این هنگام، خیابان شکوفه، شهباز، قرح آباد و میدان زاله و اطراف با جمعیت بهم پیوسته شده بود و مردم از خانه ها به کوچه ها می ریختند.

شعارهای هماهنگ ملی و مذهبی موجی از هیجان در میان مردم بیبا خاسته و زحمت کش به وجود آورده بود، به طوری که به محض هجوم ماموران نظامی با مسلسل، تفنگ "ژ-ت"، نارنجک، بمب دستی و گاز اشک آور، هیچگونه خللی در صفوف مردم به وجود نیامد.

تسره های هوایی و گاز اشک آور کاری از پیش نبرد مردم با شور شهادت بیشتر می تاختند، تا اینکه سرانجام، اولین شلیک رگبار مسلسل، نخستین صف پیشرو مردم را که از هر سن و سال در میان آنها بود، درو کرد.

صف اول چون برگ خزان فرور ریختند. لیکن صف دوم با مشت های گره کرده های شهدان راپر کردند...

در مبارزه مشت های گره کرده مردم و سرب گداخته ماموران، شاهدان عینی

میران تلفات را از چند صد نفر تا بیش از دویسه هزار نقل می کنند.

در سحرگاه چهارم روز، از نیمه شب یکی از ما موران کشته شد، که اگر سربا و اجساد حاشی بداری آنها را در راه آب ها پنهان کنید!

در دو شب نخست ماه محرم الحرام، میدان زاله و ساکنان شعاع ۲۰ کیلومتری اطراف آن حدیث و چند بار حماسه ۱۷ شهریور را تحریر کردند.

در این محل درهای اکثر منازل، مغازه ها و اماکن عمومی از گلوله مسلسل سوراخ شده است.

در قرح آباد زاله صحنه مرگ یک دختر و پسر جوان بیش از همه مردم را متاثر ساخت.

نام کوچک پسر محمد بود ولی نام دختر هنوز معلوم نیست.

به همین دلیل مردم تظاهرات شب دوم ماه محرم الحرام را از روی خانه های این دو شهید آغاز کردند و به پدر و مادر و بستگان آنها درود و نوبد پیروزی دادند.

ماجرای مرگ محمد چنین بود که ما موران به دنبال تیری که به پای او می کشند او به خانه می خز و در اقل می کشند در خیابان شکوفه، کوچه پارسا، دست چپ، در اول ماه موران با مسلسل قفل در را می شکافتند و در را می کشانند. در راه بله، خانه تیر دوم را به مغزش می نشانند. سوراو قفلا پای او را متلاشی کرده بود. مادر جوان روی نعش پسرش می افتد و بیهوش می شود. ما موران او را به کناری افکندند و صدرا می برند.

دیروز ما موران با بابت نشان دادن محل قبر این جوان چهار هزار تومان از بستگان او می گیرند و قسرا نشان می دهند. برای هر تیر ۲ هزار تومان !!

«د آصف»

شدید انسانهای زخمی و درمانده را با خود میسپارند
 رژیم نظامی همه روزنامه ها را تعطیل کرده است و بد و روغ و برای تخاصس با سلام رادیو و تلویزیون را
 ۱۵ روز تعطیل میکند رژیمی که فاحشه خانه کیش را برای ثروتمندگرددن خزانة بنیاد پهلوی ایجاد
 میکند و فاحشه های پاریس را برای خوش گذرانی شیوخ خلیج و دزد های بزرگ تهران به جزیره کیش
 میاورد اکنون سنگ اسلام را به سینه می زند ! !

خیانت رژیم آنچنان وقبحانه است که برای نجات خود و آلوده کردن نهضت اصیل مردم ایران
 برای حزب توده تبلیغ میکند در صورتیکه مردم ایران فراموش نکرده اند که اگر حزب توده در غم استقلال
 و آزادی ملت ایران بود در سال ۱۳۳۲ با کادرمسلح افسران خود برای جلوگیری رژیم که با توطئه
 سرویسهای جاسوسی امریکا حکومت قانونی دکتر مصدق رهبر بزرگ مردم ایران را ساقط کرد بمیدان می
 آمد و بقول خودشان کودتای رژیم را تبدیل بزد کودتا میکرد .

ولت نظامی ایران و رژیم استبدادی ایران محکوم بنا بودی است این اراده مردم ایران است
 مردم یکسره با سینه های برهنه خود سد حکومت نظامی را شکستند نبرد نهائی را برای آغاز
 پیروزی بزرگ مردم آغاز کرده اند .

رژیم با دست خود این نبرد را به مبارزه مسلحانه و قهرآمیز از سوی مردم تبدیل خواهد کرد دنیا
 و همه مردم آزاد یخواه جهان باید این حقیقت را بدانند که رژیم استبدادی برای بقای خود تا مرز تجزیه
 ایران پیش می رود و برای مردم هیچ راسی جز مبارزه قهرآمیز با دشمنی که به گلوله و توپ و مسلسل تکیه
 گاهی ندارد باقی نگذاشته است .

نه کلمه سرنوشتت مردم ایران است

آزادی با نه آغاز میشود